

مطالعه نقش توانایی مدیریت، نفوذ سیاسی و فشار مالی بر کیفیت گزارشگری مالی بانکهای فعال در بورس

حبیب پیری

استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران
hhpiri1354@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۵/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۱۸

چکیده

کیفیت گزارشگری مالی به عنوان یکی از مهمترین عوامل بهبود افشا و شفافیت در صنعت بانکداری و تضمین کننده اجرای قوانین بازل ۱، ۲ و ۳ می تواند منجر به کاهش ریسکهای اعتباری و اطلاعاتی بانک شود منجر به افزایش توانایی جذب سپرده از سپرده گذاران گردد. لذا ارزیابی عواملی موثر بر کیفیت گزارشگری مالی صنعت بانکداری می تواند باعث بهبود کارایی عملیاتی، اطلاعاتی و در نتیجه کارایی تخصیص بانکها شود. عوامل مختلفی از جمله توانایی مدیریت، نفوذ سیاسی و فشار مالی می توانند بر کیفیت گزارشگری مالی بانکها اثر گذار باشد که در تحقیق حاضر پژوهشگر بمنظور ارزیابی تاثیر توانایی مدیریت، نفوذ سیاسی و فشار مالی بر کیفیت گزارشگری مالی بانکها اطلاعات ۱۱ بانک فعال در بورس اوراق بهادار طی سنوات ۱۳۸۸ لغایت ۱۳۹۶ مورد بررسی قرار داد. برای ارزیابی کیفیت گزارشگری مالی بانکها سه شاخص پایداری سود، توانایی پیش بینی کنندگی سود و همچنین ارقام تعهدی استفاده گردید. نتایج نشان می دهد که اولاً توانایی مدیریت بر هیچ یک از جنبه های کیفیت گزارشگری مالی تاثیر معنی داری ندارد. ثانياً مالکیت دولتی ارتباط مثبت و معنی داری با پایداری سود دارد و مدیریت سیاسی نیز ارتباط معکوس و معنی داری با ارقام تعهدی دارد اما بین مدیریت سیاسی با پایداری سود، مدیریت سیاسی و مالکیت دولتی با توانایی پیش بینی کنندگی سود و همچنین مالکیت دولتی با ارقام تعهدی ارتباط معنی دار آماری وجود ندارد. ثالثاً بین دوره های اقتصادی و پایداری سود ارتباط معنی دار و معکوسی وجود دارد. اما بین فشار مالی بانکها با پایداری سود، دوره های اقتصادی و فشار مالی بانکها با توانایی پیش بینی کنندگی سود و همچنین دوره های اقتصادی و فشار مالی بانکها با ارقام تعهدی ارتباط معنی دار آماری وجود ندارد.

واژه های کلیدی: توانایی مدیریت، نفوذ سیاسی، فشار مالی، کیفیت گزارشگری مالی، پایداری سود، توانایی پیش بینی کنندگی سود و ارقام تعهدی.

۱- مقدمه

رشد و دگرگونی سریع روابط اقتصادی، منجر به رقابت شدیدی در عرصه تجارت، صنعت و سرمایه گذاری شده است. لذا شرکت ها برای بقا و گسترش فعالیت های خود، نیاز به انجام سرمایه گذاری های مناسب و به موقع دارند. گزارشهای مالی شرکت ها باید اطلاعاتی فراهم نمایند که برای سرمایه گذاران بالقوه و بالفعل، بستانکاران و سایر استفاده کنندگان در سرمایه گذاریهای منطقی، اعطای اعتبار و تصمیمات مشابه سودمند باشد. گزارش های مالی بایستی اطلاعات لازم برای ارزیابی وضعیت مالی و بنیه اقتصادی بنگاه، ارزیابی عملکرد و توان سودآوری، ارزیابی چگونگی تامین مالی و مصرف وجوه نقد، ارزیابی چگونگی ایفای مسئولیت مباشرت مدیریت و انجام تکالیف قانونی و فراهم کردن اطلاعات مکمل برای درک بهتر اطلاعات مالی ارائه شده و پیش بینی وضعیت آتی را فراهم نماید. (هیلا ری و پالیو، ۲۰۰۱؛ بوشمن، ۲۰۰۱). در نتیجه این گزارش ها اهمیت بسزایی در تحقق اهداف یاد شده دارند و افزایش کیفیت آنها می تواند موجب کارا تر بودن سرمایه گذاریهای شرکتها و حفظ و توسعه منابع آنها و همچنین استفاده کنندگان از اطلاعات خواهد بود. ویژگیهای کیفی گزارشگری مالی و عواملی که می تواند بر آن تاثیر گذار باشد از مسائل مهم حسابداری و محققان این حوزه می باشد. این عوامل از اصول و استانداردهای حسابداری و حسابرسی گرفته تا ساختارهای سازمانی، عواملی مدیریت، ویژگیهای فردی و ... همه می تواند به نوعی از انجا بر گزارشگری مالی و کیفیت آن تاثیر گذار باشد. بر همین اساس در تحقیق حاضر پژوهشگر بدنبال ارزیابی تاثیر توانایی مدیریت، نفوذ و روابط سیاسی و همچنین بحرانهای مالی بر کیفیت گزارشگری مالی و بهبود این کیفیت در بانکهای فعال در بورس اوراق بهادار است.

چهارچوب نظری

عملکرد و فعالیتهای بانکها تحت تاثیر عوامل و شاخصهای مختلفی قرار می گیرد، ویژگیها و تواناییهای مدیریت، بحرانها و فشارهای مالی و همچنین روابط سیاسی با دولتها از جمله عواملی هستند که بر جنبه های مختلف عملکردی و ریسکهای بانکها تاثیرگذار بوده و مسیر حرکت بانکها را تبیین می نماید. از طرفی یکی از عواملی که منجر به بهبود کارایی در نظام بانکی می گردد بهبود کیفیت اطلاعات و گزارشهای تهیه شده می باشد. اطلاعات با کیفیت می تواند بر تصمیم گیری مدیریت و شیوه تخصیص منابع بانکها اثرگذار باشد و باعث افزایش سودآوری و درآمدزایی بانکها گردد. باتوجه به اینکه در تحقیق حاضر پژوهشگر بدنبال ارزیابی تاثیر توانایی مدیریت، نفوذ

سیاسی و بحران مالی بر کیفیت گزارشگری مالی است در ادامه این مسئله تبیین می گردد.

کیفیت گزارشگری مالی

مبانی نظری حسابداری مالی به عنوان یک منشور، اهداف و مقاصد گزارشگری مالی، ویژگیهای کیفی اطلاعات مالی و معیارهای شناخت و اندازه گیری در گزارشگری مالی را تعیین می کند و به عنوان راهنمای تدوین استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی محسوب می شود. زیرا تدوین استانداردهای حسابداری بدو بهره مندی از مبانی نظری، در محیط پیچیده و چالش برانگیز امروز، بی محتوا، سلیقه ای، متناقض و غیر قابل قبول و دفاع خواهد بود. از زمان تدوین مبانی نظری گزارشگری مالی و استانداردهای حسابداری، تحقیقات متعددی درباره کیفیت اطلاعات مالی گزارش شده از طریق سیستم حسابداری انجام شده است. بازار سرمایه به عنوان موتور متحرک اقتصاد بر محور اطلاعات قرار دارد. جریان درست اطلاعات در این بازار منجر به تصمیم گیری صحیح و منطقی از سوی مشارکت کنندگان می شود و در نهایت توسعه اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی را به ارمغان می آورد.

گزارشهای مالی مهمترین منابع اطلاعات است که هدف آن فراهم کردن اطلاعات لازم برای تصمیم گیریهای اقتصادی بود و بخش اعظمی از نیاز اطلاعاتی بازار سرمایه را تامین می کند. متأسفانه در سالهای پایانی قرن بیستم میلادی و در آستانه ورود به قرن بیست و یکم ورشکستگی شرکتها عظیمی نظیر انرو، وردکام، آدلفی، سیسکو، لیوسنت و زیراکس سیستم گزارشگری مالی را به بحران مواجه کرد. ورشکستگی چنین شرکتهایی باعث نشانه رفتن انگشت اتهام به سود حسابداری و گزارشگری مالی شد. بطوریکه در موارد متعدد از این رویدادها به عنوان رسوایی حسابداری یاد شد. اما این خانمه کار نبود بلکه سیستم گزارشگری مالی به دلیل خدشه دار شدن اعتبار آن، همواره در جلب اعتماد عمومی با بحرانهایی مواجه شد. افزایش شمار تقلب ها که با ورشکستگی شرکتها درهم آمیخته بود نگرانی هایی را درباره کیفیت گزارشهای مالی به همراه داشت.

کیفیت گزارشگری مالی عبارت است از دقت اطلاعات گزارش شده برای تشریح عملیات بهتر شرکت. در عمل اطلاعات مربوط به جریان وجه نقد شرکت از جمله اطلاعات مورد علاقه سرمایه گذاران است. این تعریف منطبق بر تعریف تدوین استانداردهای حسابداری است که عنوان می کند که یکی از هدفهای گزارشگری مالی آگاه کردن اعتباردهندگان و سرمایه گذاران بلقوه برای کمک به تصمیم گیری منطقی و ارزیابی جریان وجه نقد مورد انتظار شرکت است. در چارچوب نظری حسابداری مالی که تعیین کننده اهداف گزارشگری مالی است

که آنجا از. دارد قرار مدیر عهده بر مالی گزارشات تهیه مسئولیت بر را گزارشات این مدیر بنابراین تعهدی است حسابداری مبنای مبنای بر وارد ایراد می کند. مهمترین تهیه تعهدی مبنای (سود) در رقم خصوص ارقام (به و اعداد عینی نبودن تعهدی، مدیر برای که است طبیعی بنابراین. است نقدی مبنای با مقایسه بدین. کند استفاده خود قضاوت از تعهدی اقلام برآورد و تخصیص دارای هستند (یعنی توانایی بالایی دارای که مدیرانی ترتیب گیری تصمیم قدرت و صنعت و شرکت محیط از کافی اطلاعات که بهتری قضاوت بود خواهند بحرانی) قادر در شرایط ویژه به بالا مالی کیفیت گزارشگری لذا؛ دهند انجام باشد، واقعیت به نزدیک های انگیزه و مدیر دیدگاه که است ذکر یافت. شایان خواهد بهبود بود. (رحمانی پیچا، ۱۳۹۲) خواهد قضاوتش تأثیرگذار در نیز او

توانایی مدیریت و تاثیر بر عملکرد

توانایی مدیریت یکی از بدهای سرمایه انسانی بانکها است که به عنوان دارایی نامشهود طبقه بندی میشود (کوشافر و همکاران، ۱۳۹۶). برای تشخیص توانایی مدیریت معمولاً از دو نو اطلاعات استفاده میشود. نوع اول، اطلاعاتی است که با خصوصیات و ویژگیهای فردی مدیران ارتباط دارد، مانند میزان تحصیلات، تجربه، موفقیت‌های قبلی و نو دوم، اطلاعاتی است که چگونگی اعمال مدیریت مدیران را در طول گذر زمان ارزیابی می‌کند. اطلاعاتی همانند ایفای مسئولیت در خصوص سهامداران و کیفیت گزارشگری مالی، توانایی تأمین مالی و.. در زمره این موارد می باشد. مدیران با توجه به حق انتخاب و دسترسی به منابع مختلف مالی و غیر مالی بانک توانایی چگونگی استفاده از منابع بانک و در نتیجه تعیین مسیر کسب درآمدهای مشاع و غیر مشاع بانکها را دارند (علی نژاد ساروکلاتی و تارفی، ۱۳۹۶).

مدیران برای به کارگیری اصول تحقق و تطابق اختیار عمل دارند و با برآوردها و پیش بینی هایی که انجام میدهند "عملکرد بنگاه" را تحت تأثیر قرار می دهند. از یک طرف مدیران عالی به دلیل دسترسی به اطلاعات درونی و محرمانه شرکت، انتظار می رود دارای درک بیشتری از کسب و کارشان باشند که این امر موجب می شود آنها برآوردها و قضاوت‌های بهتری را انجام دهند. همچنین انتظار می رود تیم مدیریت، قادر باشد به صورت دقیق تری آینده عملکردی بنگاه و فرصتهای سرمایه گذاری را پیش بینی کند، لذا مدیران توانا از طریق شناسایی دقیق منابع در اختیار و همچنین فرصتهای سرمایه‌گذاری موجود، اقدام به تخصیص بهینه منابع محدود به فرصتهای در اختیار می کنند و از این طریق در راستای افزایش ارزش افزینی برای بنگاه گام بر می‌دارند. (مک نیکولز، ۲۰۰۲؛ پلملی و یون، ۲۰۱۰).

توجه خاصی به جریان های نقدی و امکان پیش بینی آن مبذول شده است اما توانایی پیش بینی کنندگی جریانات نقدی و همچنین سود که معیار اصلی ارزیابی عملکرد شرکتها تلقی می گردد از طریق بهبود کیفیت گزارشگری مالی قابل دستیافتنی است. لذا تبیین عواملی که بتواند کیفیت گزارشگری مالی را تبیین نماید بسیار ضروری است و بر بهبود تصمیم گیری سرمایه گذاران و اعتباردهندگان و همچنین سایر استفاده کنندگان مانند دولت و جامعه نیز تاثیر مثبت می گذارد.

با توجه به جنبه های اقتصادی اطلاعات، گزارشگری مالی و سیستم حسابداری نقش حیاتی را در بازار سرمایه ایفا میکند. هدف اصلی گزارشگری مالی تأمین نیازهای اطلاعاتی سرمایه گذاران است. سرمایه گذاران و استفاده کنندگان با استفاده از اطلاعات حسابداری عملکرد آتی شرکت را پیش بینی و از آن برای ارزشگذاری شرکتها و در نتیجه سنجش کارایی سرمایه گذارهایشان استفاده می کنند. فلتهم و اوهلسون (۱۹۹۵) یکی از عوامل کلیدی ارزیابی شرکت را کیفیت گزارشگری داراییهای عملیاتی عنوان نمودند. تعدادی از پژوهشگران تأثیر کیفیت گزارشگری مالی بر ارزش شرکت را مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنها نشان داد که شرکت ها می توانند عدم تقارن اطلاعاتی شان را با تقویت کیفیت گزارش دهی کاهش دهند (باشمن و سمیت، ۲۰۰۱؛ هیلی و پالپو، ۲۰۰۱). همچنین تعدادی از پژوهشها نشان می دهد که کاهش خطر اخلاقی و انتخاب نادرست و اجازه دادن به مدیران برای شناسایی فرصتهای بهتر سرمایه گذاری، باعث ایجاد کیفیت بهتر گزارش دهی مالی می شود که همه اینها بر افزایش بازده سرمایه گذاری تأثیر می گذارد (چن و همکاران، ۲۰۱۱؛ بیدل و همکاران، ۲۰۰۹).

کیفیت گزارشگری مالی یکی از ویژگی های مهم گزارش های مالی است که بر روی تخصیص بهینه منابع اثر می گذارد. سودها، ورودی های مهمی برای مدل‌های ارزیابی سرمایه گذاران و تحلیلگران به شمار می رود و بر این اساس شرکت هایی که دارای کیفیت سود پایینی هستند هزینه سرمایه بیشتری دارند (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴). دچو و اسکراند (۲۰۰۴) به این نتیجه رسیدند که کیفیت بالای گزارشگری مالی به دلیل انعکاس دقیق عملکرد عملیاتی جاری شرکت ها به دست می آید. چهار معیار در اندازه گیری کیفیت گزارشگری مالی در نظر گرفته می شود (دمرجان و همکاران، ۲۰۱۳)

۱) وجود تجدید ارائه سود

۲) پایداری سود

۳) اشتباهات در ذخیره مطالبات سوخت شده

۴) اندازه تطبیق اقلام تعهدی به جریان های نقدی

روابط سیاسی و تاثیر بر عملکرد

اصطلاح "سرمایه داری رابطه ای"^۱ برای توصیف رابطه نزدیک بین دولت یا سیاستمداران با شرکتها استفاده می شود (بال و دیگران^۲، ۲۰۰۳). شرکتها تمایل زیادی به برقراری ارتباط نزدیک با دولت و سیاستمداران دارند. زیرا این روابط منافع زیادی نظیر امتیاز دسترسی به بازار، تخفیفهای مالیاتی، دسترسی آسانتر به اعتبارات، یارانه های دولتی و ... در پی دارد (آنینگ سجاتی^۳، ۲۰۰۹). در عوض شرکتهای دارای روابط سیاسی^۴ ممکن است منافع بدست آمده ناشی از این روابط را با سیاستمداران تسهیم نمایند (آنینگ سجاتی ۲۰۰۹، بوشمن و دیگران^۵، ۲۰۰۴). این نوع بافت اقتصادی در سطح یک جامعه، "اقتصاد مبتنی بر رابطه"^۶ نامیده می شود (چنی و دیگران^۷، ۲۰۱۲).

در نظامهای اقتصادی مبتنی بر روابط، ارتباط سیاسی یک منبع مهم ارزش برای شرکتهای دارای این روابط است. شرکتهای دارای روابط سیاسی راحت تر به منابع سرمایه و مزایای دیگر از طریق ارتباطاتشان دست می یابند که باعث می شود کمتر به گزارشگری مالی با کیفیت بالا متکی باشند (چنی و دیگران، ۲۰۱۲؛ آنینگ سجاتی، ۲۰۰۹). در کشور ایران نیز روابط سیاسی دارای ابعاد پررنگی است، سیاسی بودن مدیران و مالکان عمده شرکتها بدلیل دولتی بودن شرکتها و صنایع بزرگ تاثیر گذار بر اقتصاد و نیز نظام اقتصادی حاکم بر کشور یعنی اقتصاد دولتی می باشد.

نظامهای اقتصادی مبتنی بر روابط، بوسیله الزامات قانونی ضعیف وعدم شفافیت شناخته می شوند (زینگالس و راجان^۸، ۲۰۰۸). اشخاص، در این نظام، برای محافظت از روابط خود در برابر رقابت سالم به درجه ای از ابهام نیاز دارند (آنینگ سجاتی، ۲۰۰۹). در چند دهه اخیر، نظامهای اقتصادی بعضی از کشورهای آسیای شرقی به رشد اقتصادی شگفت انگیزی رسیده اند. در سال ۱۹۹۳ بانک جهانی گزارشی با عنوان "معجزه آسیای شرقی" منتشر کرد. این گزارش معرف ۸ کشوری بود که طی سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۹۰ به رشد اقتصادی معجزه آسایی دست یافتند. این ۸ کشور ژاپن، هنگ کنگ، سنگاپور، کره جنوبی، تایوان، اندونزی، تایلند و مالزی می باشند. نظامهای اقتصادی برخی از این کشورها بطور کامل مبتنی بر روابط هستند. مثلاً نظام اقتصادی کره جنوبی تحت تسلط تعداد معدودی از صنایع بزرگ قرار دارد که به کابلزها^۹ معروفند. کابلزها مجموعه ای از

از طرفی توانایی هر یک از مدیران در قضاوت و برآوردهای دقیق، متفاوت است. مدیرانی دارای توانایی بالا هستند که در مورد شرکت و صنعتی که در آن مشغول به فعالیت هستند، دارای آگاهی بیشتری باشند و همچنین با ترکیب مناسب اطلاعات به منظور انجام برآوردهای قابل اتکا، بتوانند سودهای باکیفیت تری را گزارش کنند (لیبی و لاف، ۱۹۹۳). علاوه بر این، مدیرانی که دارای توانایی بالایی هستند نسبت به مدیران دارای توانایی پایین تر، برآوردهای دقیق تری از وضعیت بنگاه انجام می دهند. (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۳). از سوی دیگر، وجود فرضیه پاداش به مدیریت که بر اساس آن مدیران با بهبود سودآوری بنگاه، پاداش دریافت می کنند، همواره انگیزه هایی برای مدیریت وجود دارد که تلاش خود را در جهت بهبود ارزش آفرینی دو چندان نماید. برای توضیح این مطلب می توان از مفهوم ارتباط مسدود شده استفاده کرد. بدین معنی که همواره مدیر دارای یک سری اطلاعات فنی و پیچیده و محرمانه است که این اطلاعات می تواند مانعی پر هزینه برای ارتباط با سرمایه گذاران باشد، در نتیجه مدیر تلاش می کند تا از طریق مدیریت کردن سود این اطلاعات را به سرمایه گذاران منتقل کرده و بدین ترتیب مانع ارتباطی را حذف کند و یا کاهش دهد. به عبارت دیگر، مدیر می تواند با استفاده از علامت دهی و با افشای استراتژیهای شرکت و اطلاعات محرمانه، ارتباط خود را با سرمایه گذاران افزایش داده تا هزینه سرمایه را کاهش دهد (رحمانی پیچا، ۱۳۹۲).

در واقع تاثیر توانایی مدیریت بر عملکرد بنگاه ها ناشی از دو عامل اصلی است، اولاً توانایی های ذاتی مدیریت که ناشی از تحصیلات، تخصص و تجربی کاری آن می باشد و باعث می گردد که بتواند بهترین عملکرد را در راستای تخصیص صحیح منابع، کاهش هزینه های شرکت، ایجاد فرصتهای سرمایه گذاری و پیشبرد اهداف بلندمدت را ارائه نماید. عمده ترین تمرکز مالکیت برای ایجاد تمایز در بنگاه ناش از توانایی های مدیریت همواره توانایی های ذاتی مدیریت است. در حالی که عامل دوم توانایی مدیریت نیز تحت فرضیه پاداش وجود دارد که بگونه ای اثربخش بر عملکرد بنگاه ها تاثیر می گذارد. این عامل ایجاد انگیزه برای مدیریت جهت تقویت توانایی های آن است. تعیین پاداشهای مبتنی بر عملکرد و همچنین اختصاص سهام مدیریتی دو نوع از مهمترین سیاستهای مالکیت برای تقویت توانایی های مدیریت بوده که باعث می شود تلاش مدیریت دوچندان و در نتیجه عملکرد بنگاه تقویت گردد.

6. Relationship-based economics
7. Chaney
8. Rajans & Zingals
9. Chaeboles

1. crony capitalism
2. Ball&et al
3. Aning Sejati
4. Political connections
5. Bushman & Piotroski

گزارشگری مالی، تهیه صورتهای مالی و شیوه اجرای قراردادهای نمایندگی تحت تاثیر قرار می دهد. انتظار می رود این امر در نهایت باعث ایجاد تفاوت‌های چشمگیر، در ریسک اعتباری بانکهای دارای روابط سیاسی در مقایسه با بانکهای بدون روابط سیاسی گردد. چن^۷ و دیگران (۲۰۱۱) استدلال می کنند که روابط سیاسی یک بعد جدید به عایدات شرکت اضافه می کند که فرایند ایجاد آن را پیچیده تر می کند. این پیچیدگی می تواند جنبه ای دیگر از تضاد منافع بین مالکان و مدیران و ایجاد ریسکهای ویژه مخصوصا ریسک اعتباری را به دنبال داشته باشد. وو و همکاران (۲۰۱۲) نشان دادند که رفتارهای فرصت طلبانه مدیران شرکتهای خصوصی که روابط سیاسی دارند کمتر از سایر شرکتهایی است که روابط سیاسی ندارند لذا ریسک اعتباری در این شرکتهای با توجه به سطح روابط سیاسی کاهش یافته است.

بحرانهای مالی و عملکرد

عملکرد بنگاه ها در دوران بحرانهای مالی تنها به وسیله رشد اقتصادی و پایداری در کسب سود قابل توضیح نیست و عوامل و فاکتورهای موثر دیگری نیز وجود دارند. در دوران رونق اقتصادی مشکلات عمده شرکتهای منجر به استراتژیهای متفاوت، فرصتهای سرمایه گذاری گوناگون و حتی رویه های مدیریتی مختلف است، تاثیرگذاری بحرانهای مالی و یا دوره های رکود و رونق اقتصادی بر عملکرد بنگاه ها در قالب عوامل زیر قابل ردیابی و تائید است: اولاً، در دوران بحرانهای مالی هنگامی که احتمال وقوع کاهش غیر منتظره قیمت بازار سهام وجود دارد، ریسک وقوع دعاوی حقوقی افزایش می یابد، در نتیجه کاهش رشد اقتصادی باعث وقوع دعاوی حقوقی می گردد. یکی از راه های کاهش دعاوی حقوقی گزارشگری محافظه کارانه و ارائه عملکرد بهتر است به گونه ای که مدیران به علت رفتارهای فرصت طلبانه و اعمال مدیریت سود تحت پیگرد قانونی قرار نگیرند (واتز، ۱۹۹۳).

ثانیا، تقاضا برای ثبات عملکرد در دوران بحرانهای مالی بخاطر عدم اطمینانهایی که در سرمایه گذاری وجود دارد، افزایش می یابد. با توجه به اینکه احتمال کسب ستانده های منفی در دوران رکود افزایش می یابد، سرمایه گذاران خواستار ایجاد ثبات در عملکرد و یا عدم کاهشهای فراوان در دوره های رکود هستند، البته تمایل سرمایه گذاران و مالکیت در دوران رونق تحت تاثیر عدم اطمینانهای ناشی از سرمایه گذاری بلعکس

شرکتهای عظیم صنعتی، به زعامت متنفذان سیاسی، تحت حمایت کامل دولت قرار دارند. این صنایع در یک شبکه نزدیک و بهم تنیده، متشکل از خود این صنایع و دولت بطور بسته تعامل دارند، کابلزها امتیازات ویژه ای مثل دریافت وامهایی با نرخ بهره پایین از بانکهای دولتی دارند. شرکتهای صنعتی مورد حمایت دولت (کابلزها) رشد سریعی را نشان می دهند. رشد بالای کابلزها بدان دلیل است که آنها می توانند وجوه هنگفتی را با نرخ بهره پایین اعتبار گرفته و از این فرصت رانت گونه بهره مند گردند. فعالیتهای تجاری مشابهی در دیگر کشورهای آسیای شرقی نیز وجود دارند (چنی و دیگران، ۲۰۱۲). در مالزی مساعدت و طرفداری دولت از شرکتهایی که با صاحب منصبان کلیدی دولت رابطه نزدیک داشته اند، وجود دارد (آنینگ سجاتی ۲۰۰۹). به اعتقاد فیس من^۱ (۲۰۰۱) روابط سیاسی در مقایسه با پایه های اقتصادی شرکت، عامل اصلی تعیین کننده سودآوری شرکت در کشورهای آسیای شرقی و در حال توسعه است. او معتقد است که عایدات شرکت های دارای روابط سیاسی به طور گسترده تحت تاثیر تصمیمات دولتی قرار دارد، که علاقت آنها را مورد توجه قرار می دهد (فیس من، ۲۰۰۱). در شرکتهای دارای روابط سیاسی دسترسی به منابع سرمایه بستگی زیادی به سود گزارش شده ندارد. زیرا روابط سیاسی منجر به دسترسی آسان به اعتبار و منابع سرمایه از بانکهای تحت تملک دولت می گردد (بویکری^۲ و دیگران، ۲۰۱۲، چین و جان^۳ ۲۰۰۴، کال و زو^۴ ۲۰۰۵، دینک^۵ ۲۰۰۵، خاجا و میک ۲۰۰۵).

روابط سیاسی و ریسک بانکها

روابط سیاسی می تواند از طریق ایجاد یک ارزش نامشهود، حمایت دولت و پشتیبانی سیاستهای دولتی را جذب نماید. مدیران سیاسی با توجه به تئوری قانونی ممکن است که هزینه های نمایندگی کمتری را به مالکان تحمیل نمایند زیرا شرکتهایی که دارای نفوذ سیاسی هستند و معمولا مورد توجه دولتها هستند، بیشتر تحت تاثیر پرونده های قضایی قرار می گیرند بر همین اساس تضاد منافع ناشی از قراردادهای نمایندگی تحت تاثیر روابط سیاسی کاهش می یابد و مدیرانی با روابط سیاسی بالاتر رفتارهای فرصت طلبانه کمتری را جهت تامین منافع شخصی بروز می نمایند

روابط و نفوذ سیاسی نه تنها بر وضعیت مالی بنگاههای اقتصادی بلکه انگیزه های مدیران را نیز در ارتباط با تاثیر می گذارد،

5- Dinc

6- Khwaja & Miqan

7- Chen

1 Fisman

2- Boubakri

3- Chiu & Joh

4- Cull&Xu

است و آنها خواستار عملکردهای با شیب صعودی بالا بوده که بتوانند در فرصت پیش آمده بیشترین ارزش را کسب نمایند.

ثالثاً، بانکها همواره خواستار تامین مالی داخلی نسبت تامین مالی خارجی هستند و هنگام تامین مالی خارجی خواستار جذب بیشتر منابع سپرده گذاران هستند (مایر، ۱۹۸۴). در دوران بحرانهای مالی با توجه به کاهش سودآوری بانکها، نرخهای سپرده کاهش می یابد و خروج منابع سپرده از بانکها نیز اتفاق می آفتد، از طرفی معمولاً در کشورهای توسعه نیافته رکود به همراه تورم حادث می شود و رکود تورمی مانعی دیگری برای سوق منابع به سمت بانکها می گردد، لذا بحرانهای مالی هم از طریق کاهش توانایی پرداخت بهره و هم از طریق ایجاد رکود تورمی منجر به خروج سپرده سپرده گذاران بانکی شده و تامین منابع بانکی را دچار مشکلات عدیده می نماید.

باتوجه به بیان ادبیات تفوریک مرتبط با تاثیرگذاری عوامل مختلف بر جنبه های عملکردی بانکها، باید عنوان نمود که شرایط ویژه صنعت بانکداری در ایران و تاثیرات عوامل مختلفی مانند وابستگی به دولت، ریسکهای سیاسی موجود، وضعیت کلان اقتصادی و همچنین روابط سیستم اقتصادی ایران با دنیای خارج (بخصوص ناشی از تحریمهای اقتصادی) باعث شده که جنبه های مختلف عملکرد بانکها تحت تاثیر این شاخصها قرار گیرند. بگونه ای که علاوه بر وضعیت سودآوری و توانایی در کسب درآمد، کیفیت گزارشگری مالی نیز تا حدود زیادی متأثر از شرایط فوق الاشاره قرار گرفته اند. از طرفی نیز در سالیان اخیر کیفیت گزارشگری مالی به عنوان بخشی از مبانی تصمیم گیری استفاده کنندگان از اطلاعات بانکها مطرح و بهبود آن پیش نیاز شفافیت در بانکداری و دستیابی به سطحی از کارایی تخصصی بانک تبدیل شده است بر همین اساس هدف مقاله حاضر ارزیابی تاثیرگذاری توانایی مدیریت، نفوذ سیاسی و بحرانهای مالی بر کیفیت گزارشگری بانکهای فعال در بورس اوراق بهادار تهران می باشد.

ادبیات و پیشینه تحقیق

نقش اصلی گزارشگری مالی، انتقال اثربخش اطلاعات به افراد برون سازمانی است. مدیران می توانند از آگاهی خود دریافته فعالیت های تجاری شرکت برای بهبود اثربخشی صورتهای مالی، به عنوان ابزاری برای انتقال اطلاعات به سرمایه گذاران و اعتباردهندگان استفاده نمایند. با این حال چنانچه مدیران برای گمراه ساختن استفاده کنندگان صورتهای مالی از طریق اعمال اختیارات خود در زمینه گزینش های حسابداری در گزارشگری مالی انگیزه هایی داشته باشد، احتمال می رود سود حسابداری که مهمترین معیار عملکرد و مورد استفاده کنندگان از

صورتهای مالی است، با انحراف مواجه شد و کیفیت اطلاعاتی خود برای پیش بینی آینده را از دست بدهد. در حال حاضر در ارتباط با کیفیت گزارشگری مالی و اندازه گیری آن و نیز تاثیر دستورالعمل ها و استانداردهای حسابداری بر کیفیت گزارشگری مالی تحقیقاتی در حال انجام است. بسیاری از این تحقیقات، کیفیت گزارشگری مالی شرکتها را با دیدگاه رویکرد رویدادی صرفاً به استانداردها و رهنمودهای حسابداری و گزارشگری مالی نسبت داده و در صدد تبیین کیفیت گزارشگری مالی از منظر دستورالعملهای بیرونی ناظر بر آن بر آمده اند. اما با وجود مکانیزمها نظارتی یکسان برای گزارشگری مالی شرکتها، به نظر می رسد که کیفیت گزارشگری مالی آنها یکسان نیست و این امر بیانگر یک عامل مهم و ضروری موثر بر کیفیت گزارشگری مالی و شاخصهای تعیین کننده آن می باشد. عواملی مانند محیط گزارشگری مالی، شیوه مدیریت و ساختارهای سازمانی موجود و همچنین شرایط اقتصادی که انگیزه های متفاوتی را برای مدیران جهت بروز تضاد منافع بوجود می آورد. لذا الگوی گزارشگری مالی علاوه بر استانداردها و دستورالعملهای حسابداری و مالی، عواملی دیگر داخلی و خارجی سازمانی و محیطی هستند. که می تواند شیوه استفاده از استانداردهای و دستورالعملهای حسابداری و مالی را تغییری داده و در نتیجه بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر بگذارد.

میکا و سانچز (۲۰۱۷) در تحقیقی به ارزیابی تاثیر توانایی های مدیریتی بر کیفیت عملکرد سود در بانکها پرداختند. آنها برای تحقیق فوق نمونه ای از ۱۵۹ بانک بزرگ ۹ کشور آمریکای جنوبی برای دوره بین ۲۰۰۴ لغایت ۲۰۱۰ را بررسی نمودند. انتظار می رود که بهبود عملکرد ناشی از سود که منجر به بهبود کیفیت سود می شود تحت تاثیر توانایی های مدیریت که سود صحیح تری را افشا نموده و پیش بینی دقیقتری از آینده سود دارد، قرار گیرد. نتایج نشان داد که توانایی های مدیریتی نقش ارزنده ای را در بهبود کیفیت سود به عهده دارد و مدیران توانا کمتر به رفتارهای فرصت طلبانه جهت دستکاری سود اقدام می نمایند.

آریفور و همکاران (۲۰۱۶) در تحقیقی به بررسی ارتباط بین روابط سیاسی، هزینه های نمایندگی و کیفیت حسابرسی پرداختند. آنها برای تحقیق خود دیتاهای ۱۵۵ شرکت بورس داکا را برای دوره بین ۲۰۰۵ لغایت ۲۰۱۳ جمع آوری نمودند. نتایج حاصل از ارزیابی داده ها نشان می دهد که روابط سیاسی در شرکتهای بورس داکا منجر به تغییر هزینه های نمایندگی می گردد به گونه ای که این روابط باعث کاهش نسبت بهره برداری از دارایی، افزایش نسبت کیو توبین و همچنین نسبت مصارف بنگاه می گردد. همچنین نتایج نشان می دهد که کیفیت

رگرسیون چندمتغیره مبتنی بر تکنیک داده‌های ترکیبی مورد بررسی قرار گرفت. مطابق با پیش‌بینی نظریه علامت‌دهی نتایج نشان می‌دهد که توانایی مدیریت موجب بهبود خوانایی گزارشگری مالی شرکت‌ها می‌گردد. همچنین نتایج تجزیه و تحلیل اضافی حاکی از آن است که در شرکت‌های بزرگتر، رابطه بین توانایی مدیریت و خوانایی گزارشگری مالی قوی‌تر است خردمند و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای به بررسی تاثیر توانایی مدیریتی و کیفیت سود بر ریسک ریزش قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. آنها اطلاعات مورد نیاز پژوهش از ۶۶ شرکت پذیرفته شده در بورس در طی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۹۵ استخراج و مورد بررسی قرار دادند. متغیرهای - مستقل این تحقیق توانایی مدیریت، کیفیت اقلام تعهدی، هموارسازی سود و پایداری سود و متغیر وابسته این پژوهش نیز ریسک ریزش قیمت سهام است. همچنین متغیرهای اندازه شرکت، اهرم مالی و سودآوری شرکت نیز به عنوان متغیرهای کنترل استفاده شده است. در این پژوهش جهت آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که توانایی مدیریت و پایداری سود بر ریسک ریزش قیمت سهام به طور معناداری تاثیرگذار است. اما کیفیت اقلام تعهدی و هموارسازی سود تاثیری بر ریسک ریزش سهام ندارد.

محمودآبادی و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی آثار سرمایه‌ی فکری در بهبود کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. به همین منظور با استفاده از مدل فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵) از بخش اختیاری کیفیت اقلام تعهدی به عنوان نام‌گری برای کیفیت گزارشگری مالی و از مدل پالیک (۲۰۰۰) برای سنجش سرمایه‌ی فکری استفاده شده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش را ۷۶ شرکت پذیرفته شده، در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل می‌دهد که در بازه‌ی زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸ مورد بررسی قرار گرفته و از تحلیل آماری رگرسیون خطی چند متغیره، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین ضریب کارایی سرمایه‌ی ساختاری و ضریب کارایی سرمایه‌ی انسانی با کیفیت گزارشگری مالی رابطه‌ی مستقیم معناداری وجود دارد؛ اما رابطه‌ی بین ضریب کارایی سرمایه‌ی فیزیکی و کیفیت گزارشگری مالی از لحاظ آماری معنادار نیست.

حسابرسی می‌تواند هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهد و حساب‌رسان بزرگ در شرکتهایی که روابط سیاسی بیشتری در آنها برقرار است قادرند که هزینه‌های نمایندگی را به نسبت بیشتری کاهش دهند و تصمیمات سرمایه‌گذاری را بهینه نمایند.

نهار و همکاران (۲۰۱۶) در تحقیقی به بررسی ارتباط بین افشای ریسک، هزینه سرمایه و عملکرد بانکها پرداختند. آنها برای ارزیابی خود ۳۰ بانک پذیرفته شده در بورس داکای بنگلادش را برای بازه زمانی بین ۲۰۰۶ لغایت ۲۰۱۲ بررسی نمودند. ارزیابی‌ها نشان داده است که پذیرش الزامات مربوط به استانداردهای بین‌المللی مانند استانداردهای شماره ۷ و همچنین قوانین بازل ۲ باعث بهبود افشای ریسک در بانکها گردیده است و در نهایت تجزیه و تحلیل اطلاعات بانکهای بنگلادشی نشان داد که افشای ریسک تاثیر منفی و معنی‌داری بر هزینه سرمایه دارد همچنین تاثیر افشای ریسک بر عملکرد بانکها نیز معکوس می‌باشد.

گوتیلز، گوماریز و سانچز بالستا (۲۰۱۴) در تحقیق به بررسی ارتباط بین کیفیت گزارشگری مالی، سررسید بدهی و کارایی سرمایه‌گذاری پرداختند. تحقیق فوق استفاده از یک نمونه شرکت‌های لیست شده اسپانیایی در طی دوره ۱۹۹۸ الی ۲۰۰۸ انجام شده است نسبت به بررسی نقش کیفیت گزارش دهی مالی و سررسید بدهی در کارایی سرمایه‌گذاری اقدام می‌نماید. نتایج نشان دهنده آن هستند که کیفیت گزارش دهی مالی سبب تعدیل مشکلات سرمایه‌گذاری افراطی می‌شود. به علاوه، سررسید کمتر بدهی نیز قابلیت ارتقای کارایی سرمایه‌گذاری را داشته و سبب کاهش هر دوی مشکلات مرتبط با سرمایه‌گذاری افراطی و سرمایه‌گذاری کمتر از حد واقع می‌شود. در این ارتباط، متعاقباً در می‌یابیم که کیفیت گزارش دهی مالی و سررسید بدهی را می‌توان به عنوان مکانیزم جایگزین جهت ارتقای کارایی سرمایه‌گذاری بحساب آورد: شرکت‌هایی که به میزان کمتر (بیشتر) از بدهی کوتاه مدت استفاده می‌کنند، معرف تاثیر کیفیت گزارش دهی مالی بیشتر (کمتر) بر روی کارایی سرمایه‌گذاری خود می‌باشند.

صفری گرایلی و رضائی پسته نوئی (۱۳۹۷) در پژوهشی به ارزیابی توانایی مدیریت و خوانایی گزارشگری مالی: آزمون نظریه علامت‌دهی پرداختند. بدین منظور، برای سنجش خوانایی گزارشگری مالی از دو شاخص فوگ و شاخص طول متن و همچنین، از مدل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) برای اندازه‌گیری توانایی مدیریت استفاده گردید. فرضیه تحقیق نیز با استفاده از نمونه‌های متشکل از ۹۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ و با بهره‌گیری از مدل

تبیین فرضیه‌های تحقیق

فرضیه دوم: نفوذ سیاسی بر کیفیت گزارشگری مالی بانکها تاثیر معنی داری دارد.

باتوجه به تبیین مسئله انجام شده فرضیات مقاله حاضر بشرح زیر می باشند:

فرضیه سوم: فشار مالی بر کیفیت گزارشگری مالی بانکها تاثیر معنی داری دارد.

فرضیه اول: توانایی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی بانکها تاثیر معنی داری دارد.

که باتوجه به فرضیات مطرح متغیرهای مرتبط بشرح جدول زیر می باشند.

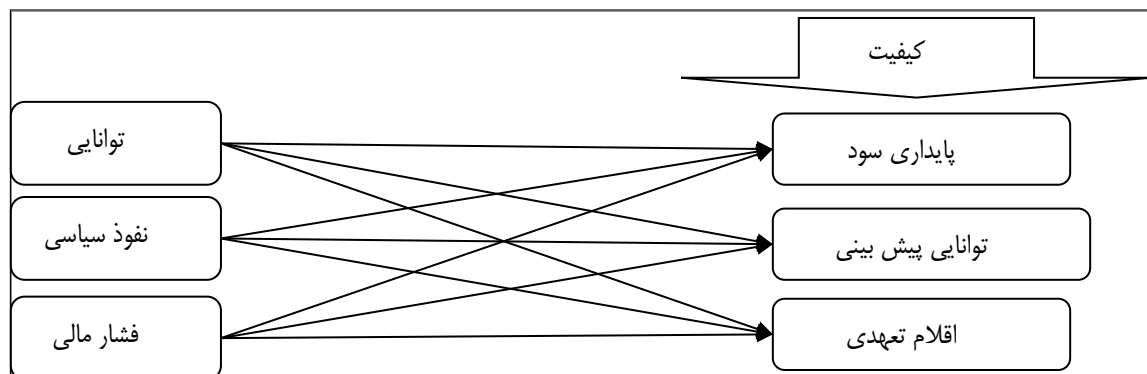
جدول (۱): متغیرهای تحقیق

ردیف	فرضیه	متغیر مستقل	متغیر وابسته	متغیر کنترلی
۱	اول	توانایی مدیریت	کیفیت گزارشگری مالی	بازده دارایی، تغییر در سود خالص، متغیر مجازی زیان، اندازه حسابرِس، عمر بانک و اندازه بانک.
۲	دوم	نفوذ سیاسی	کیفیت گزارشگری مالی	بازده دارایی، تغییر در سود خالص، متغیر مجازی زیان، اندازه حسابرِس عمر بانک و اندازه بانک.
۳	سوم	فشار مالی	کیفیت گزارشگری مالی	بازده دارایی، تغییر در سود خالص، متغیر مجازی زیان، اندازه حسابرِس عمر بانک و اندازه بانک.

روش‌شناسی پژوهش

مدل مفهومی تحقیق حاضر باتوجه به روابط مطرح شده در فرضیات بصورت زیر از طرف پژوهشگر ارائه شده است:

مدل مفهومی



نمودار (۱): الگوی مفهومی تحقیق

مدل رگرسیونی مورد استفاده

مدل اصلی رگرسیونی برای ارزیابی فرضیات بصورت زیر می باشد:
مدل اول:

مدل سوم:

$$ACCRUAL_{it} = \beta + \beta_1 MA_{it} + \beta_2 POLITIC1_{it} + \beta_3 POLITIC2_{it} + \beta_4 CRISIS1_{it} + \beta_5 CRISIS2_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 \Delta NI_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \beta_9 AUDIT_{it} + \beta_{10} AGE_{it} + \beta_{11} SIZE_{it} + \varepsilon$$

$$EP_{it} = \beta + \beta_1 MA_{it} + \beta_2 POLITIC1_{it} + \beta_3 POLITIC2_{it} + \beta_4 CRISIS1_{it} + \beta_5 CRISIS2_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 \Delta NI_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \beta_9 AUDIT_{it} + \beta_{10} AGE_{it} + \beta_{11} SIZE_{it} + \varepsilon$$

که در آن: EP: کیفیت گزارشگری مالی-پایداری سود ، EBTLLP: کیفیت گزارشگری منالی-توانایی پیش بینی کنندگی سود ، ACCRUAL: کیفیت گزارشگری منالی-اقدام تعهدی، MA: توانایی مدیریت، POLITIC1: روابط سیاسی-مدیریت سیاسی، POLITIC2: روابط سیاسی-نفوذ دولتی، CRISIS1: بحران مالی-دوره رکود و رونق اقتصادی، CRISIS2:

مدل دوم:

$$EBTLLP_{it} = \beta + \beta_1 MA_{it} + \beta_2 POLITIC1_{it} + \beta_3 POLITIC2_{it} + \beta_4 CRISIS1_{it} + \beta_5 CRISIS2_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 \Delta NI_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \beta_9 AUDIT_{it} + \beta_{10} AGE_{it} + \beta_{11} SIZE_{it} + \varepsilon$$

بحران مالی-فشار مالی، ROA: بازده دارایی، NI: تغییر در سود خالص، LOSS: متغیر مجازی زیان، AUDIT: اندازه حسابرسان، AGE: عمر بانک و SIZE: اندازه بانک می باشد.

تعریف متغیرهای تحقیق

توانایی مدیریت (MA):

در تحقیق حاضر برای ارزیابی توانایی مدیریت بر اساس تحقیق میکا و سانچز (۲۰۱۷) از یک فرآیند دو مرحله ای جهت ارزیابی کارایی بانک بر اساس روش تحلیل پوششی داده ها استفاده می گردد. در مرحله اول امتیاز کارایی بانک از طریق تحلیل پوششی داده ها و بر اساس ورودی و خروجی ها تعیین می گردد. تحلیل پوششی داده ها یک روش برنامه ریزی خطی که بر مبنای متدولوژی خط کارای کلیه بانکها و سطح عملکرد هر بانک بوده و میزانی از کارایی رو بصورت امتیازاتی بین صفر لغایت یک به هر بانک اختصاص می دهد. کارایی هر بانک باتوجه ورودی (نهاد) و خروجی (ستانده) هر بانک و خط بهینه کارای کل بانکها ارزیابی می گردد. لذا ابتدا کارایی بانک و بوسیله روش تحلیل پوششی داده ها مورد ارزیابی قرار می گیرد و سپس کارایی محاسبه شده به عنوان متغیر وابسته وارد مدل اصلی ارزیابی توانایی مدیریت می گردند و توانایی مدیریت تخمین زده می شود. الگوی مورد استفاده برای تعیین کارایی از طریق تحلیل پوششی داده ها بصورت زیر می باشد:

جدول (۲): متغیرهای تحقیق برای ارزیابی توانایی مدیریت از

طریق تحلیل پوششی داده ها

متغیرهای ورودی	متغیرهای خروجی
کل دارایی های مشهود	کل سپرده های بانک
سود خالص	کل تسهیلات اعطایی بانک
هزینه های عمومی و اداری	کل سرمایه گذاری ها
هزینه های مالی	کل درآمدها
هزینه های اجاره	-

لذا در الگوی ورودی و خروجی فوق نسبت خروجی ها به ورودیها نشان دهنده یک الگوی منتهی به واحدهای بهبود تصمیم هستند که بصورت زیر می باشند:

$$\max \theta = \frac{u1Deposits + u2Loans + u3Investment + u4IntInco}{v1PPE + v2Int + v3Labor + v4IntExp + v5RentalExp}$$

که در آن:

Deposits: کل سپرده های بانک در پایان سال مالی

Loans: کل تسهیلات اعطایی

Insetment: سرمایه گذاری

Intinco: کل درآمدهای شرکت

PPE: دارایی های ثابت

Int: سودخالص بانک

Labor: هزینه های عمومی و اداری

Intexp: کل هزینه های مالی

Rentalexp: هزینه های مربوط به اجاره

که شاخص کارایی مدیریت بر اساس نهاد و ستانده های خوق عددی بین ۰ تا ۱ می باشد که ۱ نشان دهنده کارایی کامل مدیریت و ۰ نشاندهنده عدم کارایی مدیریت خواهد بود.

پس از انجام مرحله اول و تخمین امتیاز تحلیل پوششی داده ها برای هر بانک، مدل رگرسیونی زیر برای کلیه بانک-سالها برازش می گردد:

$$DEAScore_{it} = \beta_0 + \beta_1 Size_{it} + \beta_2 Market_Share_{it} + \beta_3 Cash_Flow_{it} + \beta_4 Age_{it} + \beta_5 BR_{it} + \gamma Country + Year + \epsilon$$

که در آن:

DEAScore: امتیاز کارایی بانک i در سال t،

SIZE: عبارت است از اندازه بانک i در سال t،

Market_Share: عبارت است از سهم بازار بانک i در سال t از کل سپرده های صنعت بانکداری

Cash-Flow: عبارت است جریان وجه نقد ناشی از فعالیتهای عملیاتی بانک i در سال t،

Age: عبارت است از عمر بانک i در سال t،

BR: عبارت است استقلال هیات مدیره بانک i در سال t و

ε: اقلام باقیمانده مدل که شاخص ارزیابی توانایی مدیریت در تحقیق حاضر می باشد.

بحران مالی؛ دوره رکود و رونق اقتصادی (crisis1):

دوره های بحران مالی (crisis1) عبارت از نوسان در فعالیت اقتصادی و معمولا تولید ملی و سرانه تولید ملی که در نهایت خود را به صورت نرخ رشد اقتصادی نشان می دهد. هر دوره تجاری شامل مراحل بهبود، رونق، تنزل و کساد است. در این تحقیق، متغیر چرخه تجاری که یک متغیر مجازی است با دو حالت شامل دوره رکود و رونق اقتصادی که در حالت رونق اقتصادی عدد صفر و در حالت رکود اقتصادی عدد یک را به خود اختصاص می دهد. تحقیق حاضر همگام با تحقیقات مختارزاده (۱۳۸۷) و خدای پور و همکاران (۱۳۹۱) و همچنین با استفاده از آمار و اطلاعات منتشره توسط مرکز آمار ایران و بانک مرکزی، دوره زمانی تحقیق به صورت زیر به عنوان دوره های رکود و رونق تقسیم بندی می شوند. ابتدا میانگین نرخ رشد اقتصادی دوره تحقیق یعنی سال های ۱۳۸۸ لغایت ۱۳۹۶ محاسبه می گردد که در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول (۳): نرخ رشد اقتصادی-بانک مرکزی ایران

سال	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	میانگین
نرخ	۳/۱۶	۶/۳۶	۳/۲	-۵/۴	-۱/۹	۰/۳	۰/۹	۷/۲	۴/۶*	۲/۰۵

*برآورد مرکز پژوهشهای مجلس با توجه به نرخ رشد تا ۹ ماهه سال ۱۳۹۶

در تحقیق حاضر برای ارزیابی پایداری سود از مدل کانگراتنام و همکاران (۲۰۱۴) بصورت زیر استفاده می شود:

$$EBTLLP_{it+1} = \beta + \beta_1 EBT_{it} + \beta_2 MA_{it} + \beta_3 MA * EBT_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 SIZE * EBT_{it} + \beta_6 DEPOSIT_{it} + \beta_7 LOAN_{it} + \beta_8 LOANGROWTH_{it} + \varepsilon$$

که در آن:

$EBTLLP$: جریان وجه نقد ناشی از فعالیتهای عملیاتی بانک i در سال t

EBT : سود خالص قبل از مالیات بانک i در سال t

MA : توانایی مدیریت بانک i در سال t

$SIZE$: عبارت است از اندازه بانک i در سال t

$DEPOSIT$: عبارت است از کل سپرده های بانک i در سال t

$LOAN$: عبارت است از کل تسهیلات اعطایی بانک i در سال t

$LOANGROWTH$: عبارت است از نرخ رشد تسهیلات اعطایی بانک i در سال t

ε : اقلام باقیمانده مدل که شاخص ارزیابی توانایی سود برای پیش بینی جریان وجه نقد ($EBTLLP$) در تحقیق حاضر می باشد.

اقلام تعهدی (ACCRUAL):

از طریق مدل دجو (۱۹۹۵) بصورت زیر ارزیابی می گردد:

$$\frac{TCA_{it}}{TotalAsset_{it-1}} = \beta_0 + \beta_1 \frac{CFO_{it-1}}{TotalAsset_{it-1}} + \beta_2 \frac{CFO_{it}}{TotalAsset_{it-1}} + \beta_3 \frac{CFO_{it+1}}{TotalAsset_{it-1}} + \beta_4 \frac{\Delta REV_{it}}{TotalAsset_{it-1}} + \beta_5 \frac{PPE_{it}}{TotalAsset_{it-1}} + \varepsilon_{it}$$

ε : اقلام باقیمانده مدل که شاخص ارزیابی اقلام تعهدی ($ACCRUAL$) در تحقیق حاضر می باشد.

تعریف عملیاتی سایر متغیرهای تحقیق بصورت جدول زیر می باشد:

سپس با توجه به میانگین محاسبه شده سالهایی که نرخ رشد اقتصادی آنها بالاتر از میانگین بوده، دوره غیر بحران اقتصادی و سالهایی که نرخ رشد اقتصادی آنها کمتر از میانگین بوده، دوره بحران اقتصادی شناسایی گردیده لذا سالهای ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ که نرخ رشد اقتصادی بالاتر از میانگین را دارند دوره غیر بحران اقتصادی تعیین می گردد و سالهای ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ نیز که نرخ رشد پائین تر از میانگین ۲۰۰۵ را دارند به عنوان دوره بحران اقتصادی شناسایی می گردد لذا برای آزمون فرضیات مطرح شده متغیر بحران اقتصادی یک متغیر مجازی صفر و یک می باشد که برای سالهایی که دوره بحران اقتصادی می باشند عدد یک اختصاص می یابد و برای سالهایی که دوره بحران اقتصادی نمی باشد عدد صفر اختصاص می یابد.

کیفیت گزارشگری مالی:

در تحقیق حاضر برای ارزیابی کیفیت گزارشگری مالی از سه شاخص به شرح زیر استفاده می گردد:

پایداری سود (EP):

در تحقیق حاضر برای ارزیابی پایداری سود از مدل کانگراتنام و همکاران (۲۰۱۴) بصورت زیر استفاده می شود:

$$EBT_{it+1} = \beta + \beta_1 EBT_{it} + \beta_2 MA_{it} + \beta_3 MA * EBT_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 SIZE * EBT_{it} + \beta_6 DEPOSIT_{it} + \beta_7 LOAN_{it} + \beta_8 LOANGROWTH_{it} + \varepsilon$$

که در آن:

EBT : سود خالص قبل از مالیات بانک i در سال t

MA : توانایی مدیریت بانک i در سال t

$SIZE$: عبارت است از اندازه بانک i در سال t

$DEPOSIT$: عبارت است از کل سپرده های بانک i در سال t

$LOAN$: عبارت است از کل تسهیلات اعطایی بانک i در سال t

$LOANGROWTH$: عبارت است از نرخ رشد تسهیلات اعطایی بانک i در سال t

ε : اقلام باقیمانده مدل که شاخص ارزیابی پایداری سود (EP) در تحقیق حاضر می باشد.

توانایی سود برای پیش بینی جریان نقدی ($EBTLLP$):

جدول (۴): تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق

نام متغیر	نوع متغیر	نماد	تعریف متغیر
کیفیت گزارشگری مالی-پایداری سود	وابسته	EP	بر اساس مدل کاناکراتنام و همکاران (۲۰۱۴) و اقلام باقیمانده مدل فوق که در بالا ارائه شده بدست می آید.
کیفیت گزارشگری منالی-توانایی پیش بینی کنندگی سود	وابسته	EBTLLP	بر اساس مدل کاناکراتنام و همکاران (۲۰۱۴) و اقلام باقیمانده مدل فوق که در بالا ارائه شده بدست می آید.
کیفیت گزارشگری منالی-اقلام تعهدی	وابسته	ACCRUAL	بر اساس مدل دیچو (۱۹۹۵) و اقلام باقیمانده مدل فوق که در بالا ارائه شده بدست می آید.
توانایی مدیریت روابط سیاسی-	مستقل	MA	بر اساس الگوی تعریف شده به روش تحلیل پوششی داده ها بدست می آید.
مدیریت سیاسی	مستقل	POLITIC1	متغیر مجازی: به اینصورت که اگر در بین اعضای هیأت مدیره نماینده دولت باشد عدد یک در غیر اینصورت عدد صفر داده می شود.
روابط سیاسی-نفوذ دولتی	مستقل	POLITIC2	عبارت است از درصد سهامی که بصورت مستقیم یا غیر مستقیم در اختیار دولت می باشد
بحران مالی-دوره رکود و رونق اقتصادی	مستقل	CRISIS1	متغیر مجازی؛ بدین صورت که برای سالهای بازه زمانی تحقیق که در دوره بحران اقتصادی می باشد عدد یک در غیر اینصورت عدد صفر اختصاص می یابد.
بحران مالی-فشار مالی	مستقل	CRISIS2	برای ارزیابی فشار مالی از معیار آلتمن استفاده می گردد. معیار آلتمن در تحقیق حاضر از طریق معادله زیر محاسبه می گردد: $EMScore = 6.56 * X1 + 3.26 * X2 + 6.72 * X3 + 1.05 * X4 + 3.25$ که در آن: x1 نسبت سرمایه در گردش به کل دارایی، x2 نسبت سود انباشته به کل دارایی، x3 نسبت سود قبل از بهره و مالیات به کل دارایی، x4 نسبت ارزش دفتری به کل بدهی، می باشند. بانکهایی که معیار آلتمن آنها کوچکتر از ۱.۱ باشد (بانکهای با فشار مالی) به عنوان بانکهای با فشار مالی و بانکهای که معیار آلتمن آنها بزرگتر از ۲.۶ باشد (بانک سالم) به عنوان بانک بدون فشار مالی ارزیابی می گردند.
عمر	کنترلی	AGE	عبارت است از تعداد سالهایی که بانک تاسیس شده است
اندازه	کنترلی	SIZE	عبارت است از لگاریتم طبیعی کل دارایی های بانک
تغییر در سود خالص	کنترلی	ΔNI	عبارت است از تغییر در سود خالص نسبت به سال قبل
متغیر مجازی زیان	کنترلی	LOSS	متغیر مجازی بدینصورت که اگر بانک در سال جاری زیان کسب کرده باشد عدد یک در غیر اینصورت عدد صفر اختصاص می یابد.
بازده دارایی	کنترلی	ROA	عبارت است از نسبت سود خالص به کل دارایی
اندازه حسابرس	کنترلی	AUDIT	متغیر مجازی بدینصورت که اگر حسابرس بانک در سال جاری سازمان حسابرسی باشد عدد یک در غیر اینصورت عدد صفر اختصاص می یابد.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش عبارت است از کلیه شرکت های فعال در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. روش نمونه گیری در این پژوهش نمونه گیری هدفدار می باشد که در آن پژوهشگر بر اساس اطلاعات قبلی از جامعه و یا با عنایت به هدفهای معینی، دآوری شخصی خود را برای انتخاب نمونه بکار می برد. در این روش نمونه گیری نمونه به خاطر سهولت انتخاب نمی شود، بلکه قضاوت های پژوهشگر بر اساس اطلاعات قبلی او و هدفی که بر اساس جنبه های مجهول پژوهش بدنبال آن است، مبنای چگونگی انتخاب نمونه است (خاکی، ۱۳۸۶، ۹۸-۹۹). لذا در پژوهش حاضر نمونه مورد بررسی با توجه به اهداف پژوهشگر، بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که در صنعت بانکداری در فعالیت هستند و در دوره زمانی تحقیق مورد معامله قرار گرفته اند که بشرح جدول زیر می باشند.

جدول (۵): نمونه آماری

ردیف	نام بانک	ردیف	نام بانک	ردیف	نام بانک	ردیف	نام بانک
۱	بانک اقتصاد نوین	۴	بانک تجارت	۷	بانک صادرات ایران	۱۰	بانک کار آفرین
۲	بانک پارسیان	۵	بانک سرمایه	۸	بانک قوامین	۱۱	پست بانک ایران
۳	بانک پاسارگاد	۶	بانک سینا	۹	بانک ملت		

تجزیه و تحلیل داده ها

شرکت بر اساس داده‌های ترکیبی متوازن، ۹۹ مشاهده سال-شرکت (۹ سال و ۱۱ شرکت) بوده است.

آمار توصیفی

با توجه به اینکه از روش ترکیب داده‌های پانلی برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده می‌کنیم، تعداد مشاهدات سال-

جدول (۶) آمار توصیفی متغیرهای تحقیق در شرکت های نمونه

نام متغیر	نماد	مشاهدات	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
کیفیت گزارشگری منالی-اقدام تعهدی	ACCRUAL	۹۹	4.04E-08	-0.001509	0.031891	-0.025443	0.010733	0.017199	3.601529
عمر	AGE	۹۹	3.073619	2.995732	4.276666	1.791759	0.584459	0.358906	2.523223
اندازه حسابرس	AUD	۹۹	0.444444	0.000000	1.000000	0.000000	0.499433	0.223607	1.050000
بحران مالی-دوره رکود و رونق اقتصادی	CRISIS1	۹۹	0.444444	0.000000	1.000000	0.000000	0.499433	0.223607	1.050000
بحران مالی-فشار مالی	CRISIS2	۹۹	1.636163	1.190168	5.847687	-0.689753	1.343088	0.415651	4.539090
کیفیت گزارشگری منالی-توانایی پیش بینی کنندگی سود	EBTLLP	۹۹	0.012980	0.013201	0.129482	-0.109383	0.043278	-0.311689	4.020028
کیفیت گزارشگری مالی-پایداری سود	EP	۹۹	3.03E-08	0.000779	0.019023	-0.015938	0.006194	-0.070179	3.977471
توانایی مدیریت	MA	۹۹	0.114399	0.117829	0.232701	0.011388	0.053577	0.019792	2.443970
متغیر مجازی زبان	LOSS	۹۹	0.060606	0.000000	1.000000	0.000000	0.239821	0.683004	14.56452
تغییر در سود خالص	ΔNI	۹۹	0.000553	0.000577	0.023416	-0.043667	0.008589	-0.589099	3.821214
روابط سیاسی-مدیریت سیاسی	POLIT1	۹۹	0.323232	0.000000	1.000000	0.000000	0.470091	0.755885	1.571362
روابط سیاسی-نفوذ دولتی	POLIT2	۹۹	18.75646	0.000000	81.01000	0.000000	27.34112	1.278639	3.214291
بازده دارایی	ROA	۹۹	0.014338	0.010136	0.045837	0.001464	0.012203	1.040820	3.171840
اندازه	SIZE	۹۹	19.36852	19.49557	21.52017	16.44080	1.182280	-0.377134	2.493456

تجزیه و تحلیل فرضیات

مطرح استفاده می گردد که در ادامه به تفکیک مدل‌های

فرضیه اول: توانایی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی بانکها تاثیر م‌رگرسیون فرضیات فوق مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد: داری دارد.

فرضیه دوم: نفوذ سیاسی بر کیفیت گزارشگری مالی بانکها تاثیر م‌تحلیل فرضیات با استفاده از مدل اول

داری دارد. برای ارزیابی تاثیرگذاری توانایی مدیریت، نفوذ سیاسی و فشار

فرضیه سوم: فشار مالی بر کیفیت گزارشگری مالی بانکها تاثیر معنی دمالی بر کیفیت گزارشگری مالی-پایداری سود از مدل شماره (۱) استفاده می گردد که نتایج حاصل از آن بشرح جدول زیر می

باشد: برای ارزیابی فرضیات و ارزیابی تاثیرگذاری توانایی مدیریت، نفوذ سیاسی و فشار مالی بر کیفیت گزارشگری مال بانکها، از مدل‌های

جدول (۷): نتایج حاصل از آزمون فرضیات بر اساس مدل شماره ۱

$EP_{it} = \beta + \beta_1 MA_{it} + \beta_2 POLITIC1_{it} + \beta_3 POLITIC2_{it} + \beta_4 CRISIS1_{it} + \beta_5 CRISIS2_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 \Delta NI_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \beta_9 AUDIT_{it} + \beta_{10} AGE_{it} + \beta_{11} SIZE_{it} + \varepsilon$				مدل
نتیجه گیری	مقادیر P-Value	مقادیر آماره t	ضرایب متغیر در مدل	متغیرهای توضیحی
مقدار ثابت در مدل در سطح ۹۵ درصد	0.0003*	-3.741485	-0.038382	مقدار ثابت
عدم معناداری در مدل	0.6190	0.499035	0.004507	MA
عدم معناداری در مدل	0.6219	-0.494962	-0.001146	POLITIC1
مقدار ثابت در مدل در سطح ۹۵ درصد	0.0003*	3.779442	0.000140	POLITIC2
مقدار ثابت در مدل در سطح ۹۵ درصد	0.0141*	-2.504883	-0.002442	CRISIS1
عدم معناداری در مدل	0.0879	1.725812	0.000640	CRISIS2
مقدار ثابت در مدل در سطح ۹۵ درصد	0.0002*	3.825160	0.178860	ROA
عدم معناداری در مدل	0.5050	-0.669392	-0.000020	ΔNI
مقدار ثابت در مدل در سطح ۹۵ درصد	0.0000*	-5.083464	-0.011704	LOSS
عدم معناداری در مدل	0.7662	-0.298306	-0.000375	AUDIT
عدم معناداری در مدل	0.3374	-0.964592	-0.001469	AGE
مقدار ثابت در مدل در سطح ۹۵ درصد	0.0022*	3.152988	0.001985	SIZE
2.318828	آزمون دوربین واتسون	5.028207	مقادیر آزمون F	
0.388660	مقادیر ضریب تعیین R ²	0.000005*	مقادیر P-Value	
0.371364	مقادیر ضریب تعیین تعدیل شده R ²	۳.۴۷۹۳۲۲	مقادیر آزمون جاک برا	
		۰.۱۷۵۵۸۰	مقادیر P-Value آزمون جاک برا	
با توجه به مقادیر آزمون F و مقدار P-Value که کمتر از ۵درصد است مدل معنادار است.				نتیجه کفایت مدل:

*معنادار در سطح ۹۵ درصد

اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. یعنی مدل معنی داری وجود داشته و بین متغیرهای مستقل و وابسته رابطه خطی برقرار است.

در مدل مقدار احتمال (یا P-Value) برابر با ۰/۰۰ است. چون این مقادیر کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر در سطح

تحلیل فرضیه اول:

در این مدل نتایج آزمون رگرسیون بیانگر این است که ضریب متغیر MA در مدل مثبت می باشد یعنی با افزایش توانایی مدیریت، مقدار متغیر کیفیت گزارشگری مالی-پایداری سود بانکها نیز افزایش می یابد و بالعکس. اما این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست زیرا اولاً مقدار t به دست آمده کمتر از مقدار متناظر آن در جدول ($t_{\alpha=0.975}=1/96$) بوده و همچنین p -value محاسبه شده در این متغیر نیز بیش از ۵ درصد است.

تحلیل فرضیه دوم:

همچنین ضریب متغیر POLITIC1 در مدل منفی می باشد یعنی با افزایش روابط سیاسی-مدیریت سیاسی، مقدار متغیر کیفیت گزارشگری مالی-پایداری سود بانکها کاهش می یابد و بالعکس. اما این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست زیرا اولاً مقدار t به دست آمده کمتر از مقدار متناظر آن در جدول ($t_{\alpha=0.975}=1/96$) بوده و همچنین p -value محاسبه شده در این متغیر نیز بیش از ۵ درصد است.

ضریب متغیر POLITIC2 در مدل مثبت میباشد یعنی با افزایش روابط سیاسی-نفوذ دولتی، مقدار متغیر کیفیت گزارشگری مالی-پایداری سود بانکها نیز افزایش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است زیرا اولاً مقدار t به دست آمده بیش از مقدار متناظر آن در جدول ($t_{\alpha=0.975}=1/96$) بوده و همچنین p -value محاسبه شده در این متغیر نیز کمتر از ۵ درصد است.

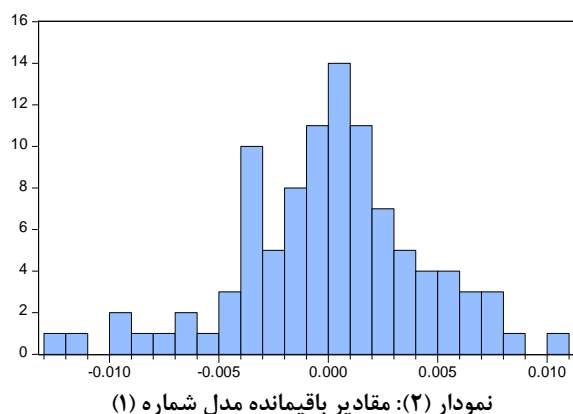
تحلیل فرضیه سوم:

ضریب متغیر CRISIS1 در مدل منفی میباشد یعنی با افزایش بحران مالی-دوره رکود و رونق اقتصادی، مقدار متغیر کیفیت گزارشگری مالی-پایداری سود بانکها کاهش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است زیرا اولاً مقدار t به دست آمده بیش از مقدار متناظر آن در جدول ($t_{\alpha=0.975}=1/96$) بوده و همچنین p -value محاسبه شده در این متغیر نیز کمتر از ۵ درصد است.

ضریب متغیر CRISIS2 در مدل مثبت میباشد یعنی با افزایش بحران مالی-فشار مالی، مقدار متغیر کیفیت گزارشگری مالی-پایداری سود بانکها نیز افزایش می یابد و بالعکس. اما این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست زیرا اولاً مقدار t به دست آمده کمتر از مقدار متناظر آن در جدول ($t_{\alpha=0.975}=1/96$) بوده و

همچنین p -value محاسبه شده در این متغیر نیز بیش از ۵ درصد است.

ضریب تعیین در مدل تقریباً ۳۸.۸۶٪ درصد می باشد. این ضریب بیانگر این است که متغیرهای مستقل در این مدل توانایی توجیه بیش از ۳۸ درصد از تغییرات متغیر کیفیت گزارشگری مالی-پایداری سود بانکها را دارا می باشند. در این مدل مقدار آماره دوربین واتسون در مدل فوق برابر ۲/۳۱ می باشد که مقادیر نزدیک به ۲ حاکی از عدم وجود خودهمبستگی بین باقی مانده های مدل است. از آنجا که مقادیر پی ویلیو متناظر با آماره جاکر برا برای مقادیر باقی مانده های مدل (۰/۱۷)، بیش از مقدار ۵ درصد است لذا نرمال بودن خطاهای (باقی مانده های) مدل پذیرفته می شود.

**تحلیل فرضیات با استفاده از مدل دوم**

برای ارزیابی تاثیرگذاری توانایی مدیریت، نفوذ سیاسی و فشار مالی بر کیفیت گزارشگری مالی-توانایی پیش بینی کنندگی سود از مدل شماره (۲) استفاده می گردد که نتایج حاصل از آن بشرح جدول ۸ می باشد.

در مدل مقدار احتمال (یا F(P-Value) برابر با ۰/۰۰ است. چون این مقادیر کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود. یعنی مدل معنی داری وجود داشته و بین متغیرهای مستقل و وابسته رابطه خطی برقرار است.

جدول (۸): نتایج حاصل از آزمون فرضیات بر اساس مدل شماره ۲

$EBTLLP_{it} = \beta + \beta_1 MA_{it} + \beta_2 POLITIC1_{it} + \beta_3 POLITIC2_{it} + \beta_4 CRISIS1_{it} + \beta_5 CRISIS2_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 \Delta NI_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \beta_9 AUDIT_{it} + \beta_{10} AGE_{it} + \beta_{11} SIZE_{it} + \varepsilon$				مدل
نتیجه گیری	مقادیر P-Value	مقادیر آماره t	ضرایب متغیر در مدل	متغیرهای توضیحی
عدم معناداری در مدل	0.2822	1.082023	0.074533	مقدار ثابت
عدم معناداری در مدل	0.5219	-0.642982	-0.038996	MA
عدم معناداری در مدل	0.8255	0.221157	0.003439	POLITIC1
عدم معناداری در مدل	0.9059	-0.118548	-0.000030	POLITIC2
عدم معناداری در مدل	0.1320	1.520576	0.009956	CRISIS1
عدم معناداری در مدل	0.9571	0.054004	0.000134	CRISIS2
معنادار در مدل در سطح ۹۵ درصد	0.0001*	4.181795	1.312982	ROA
عدم معناداری در مدل	0.9631	-0.046440	-0.000009	ΔNI
معنادار در مدل در سطح ۹۵ درصد	0.0045*	-2.915582	-0.045073	LOSS
عدم معناداری در مدل	0.9453	0.068862	0.000581	AUDIT
عدم معناداری در مدل	0.3633	0.913880	0.009347	AGE
عدم معناداری در مدل	0.2102	-1.262381	-0.005337	SIZE
1.874700	آزمون دوربین واتسون	3.990985		مقادیر آزمون F
0.335375	مقادیر ضریب تعیین R ²	0.000103*		مقادیر P-Value
0.291342	مقادیر ضریب تعیین تعدیل شده R ²	۰.۸۲۶۷۱۲		مقادیر آزمون جاکر برا
		۰.۶۶۱۴۲۷		مقادیر P-Value آزمون جاکر برا
با توجه به مقادیر آزمون F و مقدار P-Value که کمتر از ۵ درصد است مدل معنادار است.				نتیجه کفایت مدل:

*معنادار در سطح ۹۵ درصد

تحلیل فرضیه اول

در این مدل نتایج آزمون رگرسیون بیانگر این است که ضریب متغیر MA در مدل منفی می باشد یعنی با افزایش توانایی مدیریت، مقدار متغیر کیفیت گزارشگری مالی-توانایی پیش بینی کنندگی سود بانکها کاهش می یابد و بالعکس. اما این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست زیرا اولاً مقدار t به دست آمده کمتر از مقدار متناظر آن در جدول (t_{α=۰.۹۷۵=۱/۹۶}) بوده و همچنین *p-value* محاسبه شده در این متغیر نیز بیش از ۵ درصد است.

تحلیل فرضیه دوم

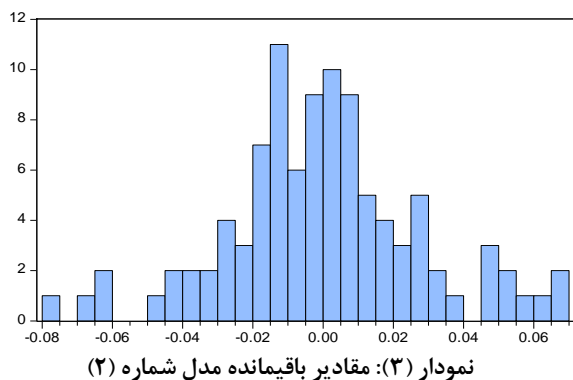
همچنین ضریب متغیر POLITIC1 در مدل مثبت می باشد یعنی با افزایش روابط سیاسی-مدیریت سیاسی، مقدار متغیر کیفیت گزارشگری مالی-توانایی پیش بینی کنندگی سود بانکها نیز افزایش می یابد و بالعکس. اما این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست زیرا اولاً مقدار t به دست آمده کمتر از مقدار متناظر آن در جدول (t_{α=۰.۹۷۵=۱/۹۶}) بوده و همچنین *p-value* محاسبه شده در این متغیر نیز بیش از ۵ درصد است.

ضریب متغیر POLITIC2 در مدل منفی میباشد یعنی با افزایش روابط سیاسی-نفوذ دولتی، مقدار متغیر کیفیت گزارشگری مالی-توانایی پیش بینی کنندگی سود بانکها کاهش می یابد و بالعکس. اما این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست زیرا اولاً مقدار t به دست آمده کمتر از مقدار متناظر آن در جدول (t_{α=۰.۹۷۵=۱/۹۶}) بوده و همچنین *p-value* محاسبه شده در این متغیر نیز بیش از ۵ درصد است.

تحلیل فرضیه سوم

ضریب متغیر CRISIS1 در مدل مثبت میباشد یعنی با افزایش بحران مالی-دوره رکود و رونق اقتصادی، مقدار متغیر کیفیت گزارشگری مالی-توانایی پیش بینی کنندگی سود بانکها نیز افزایش می یابد و بالعکس. اما این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست زیرا اولاً مقدار t به دست آمده کمتر از مقدار متناظر آن در جدول (t_{α=۰.۹۷۵=۱/۹۶}) بوده و همچنین *p-value* محاسبه شده در این متغیر نیز بیش از ۵ درصد است.

ضریب متغیر CRISIS2 در مدل مثبت میباشد یعنی با افزایش بحران مالی-فشار مالی، مقدار متغیر کیفیت گزارشگری



تحلیل فرضیات با استفاده از مدل سوم

برای ارزیابی تاثیرگذاری توانایی مدیریت، نفوذ سیاسی و فشار مالی بر کیفیت گزارشگری مالی-اقلام تعهدی از مدل شماره (۳) استفاده می گردد که نتایج حاصل از آن بشرح جدول زیر می باشد:

در مدل مقدار احتمال (یا F(P-Value) برابر با ۰/۰۰ است. چون این مقادیر کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود. یعنی مدل معنی داری وجود داشته و بین متغیرهای مستقل و وابسته رابطه خطی برقرار است.

مالی- توانایی پیش بینی کنندگی سود بانکها نیز افزایش می یابد و بالعکس. اما این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست زیرا اولاً مقدار t به دست آمده کمتر از مقدار متناظر آن در جدول ($t_{\alpha=0.975}=1/96$) بوده و همچنین $p - value$ محاسبه شده در این متغیر نیز بیش از ۵ درصد است.

ضریب تعیین در مدل تقریباً ۳۳.۵۳٪ درصد می باشد. این ضریب بیانگر این است که متغیرهای مستقل در این مدل توانایی توجیه بیش از ۳۳ درصد از تغییرات متغیر کیفیت گزارشگری مالی- توانایی پیش بینی کنندگی سود بانک ها را دارا می باشند. در این مدل مقدار آماره دوربین واتسون در مدل فوق برابر ۱/۸۷ می باشد که مقادیر نزدیک به ۲ حاکی از عدم وجود خودهمبستگی بین باقی مانده های مدل است. از آنجا که مقادیر پی ویلیو متناظر با آماره جاکر برا برای مقادیر باقی مانده های مدل (۰/۶۶)، بیش از مقدار ۵ درصد است لذا نرمال بودن خطاهای (باقی مانده های) مدل پذیرفته می شود.

جدول (۹): نتایج حاصل از آزمون فرضیات بر اساس مدل شماره ۳

$ACCUAL_{it} = \beta + \beta_1 MA_{it} + \beta_2 POLITICAL1_{it} + \beta_3 POLITICAL2_{it} + \beta_4 CRISIS1_{it} + \beta_5 CRISIS2_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 \Delta NI_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \beta_9 AUDIT_{it} + \beta_{10} AGE_{it} + \beta_{11} SIZE_{it} + \varepsilon$					مدل
نتیجه گیری	مقادیر P-Value	مقادیر آماره t	ضرایب متغیر در مدل	متغیرهای توضیحی	
عدم معناداری در مدل	0.9996	-0.000562	-0.000007	مقدار ثابت	
عدم معناداری در مدل	0.4394	0.776796	0.008847	MA	
معنادار در مدل در سطح ۹۵ درصد	0.0471*	-2.014390	-0.005883	POLITIC1	
عدم معناداری در مدل	0.8252	0.221553	0.000010	POLITIC2	
عدم معناداری در مدل	0.2228	-1.227996	-0.001510	CRISIS1	
عدم معناداری در مدل	0.1519	1.445625	0.000676	CRISIS2	
معنادار در مدل در سطح ۹۵ درصد	0.0000*	11.57932	0.682724	ROA	
معنادار در مدل در سطح ۹۵ درصد	0.0300*	-2.206451	-0.000083	ΔNI	
معنادار در مدل در سطح ۹۵ درصد	0.0000*	-6.236525	-0.018105	LOSS	
معنادار در مدل در سطح ۹۵ درصد	0.0292*	2.216807	0.003510	AUDIT	
عدم معناداری در مدل	0.1442	1.473640	0.002830	AGE	
عدم معناداری در مدل	0.2386	-1.186574	-0.000942	SIZE	

$ACCRUAL_{it} = \beta + \beta_1 MA_{it} + \beta_2 POLITIC1_{it} + \beta_3 POLITIC2_{it} + \beta_4 CRISIS1_{it} + \beta_5 CRISIS2_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 \Delta NI_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \beta_9 AUDIT_{it} + \beta_{10} AGE_{it} + \beta_{11} SIZE_{it} + \varepsilon$				مدل
نتیجه گیری	مقادیر P-Value	مقادیر آماره t	ضرایب متغیر در مدل	متغیرهای توضیحی
۲.۱۲۸۸۴۴	آزمون دوربین واتسون	25.23153		مقادیر آزمون F
0.761348	مقادیر ضریب تعیین R ²	0.000000*		مقادیر P-Value
0.731173	مقادیر ضریب تعیین تعدیل شده R ²	۰.۱۶۰۳۲۸		مقادیر آزمون جاک برا
		۰.۹۲۲۹۶۵		مقادیر P-Value آزمون جاک برا
با توجه به مقادیر آزمون F و مقدار P-Value که کمتر از ۵ درصد است مدل معنادار است.				نتیجه کفایت مدل:

*معنادار در سطح ۹۵ درصد

تحلیل فرضیه اول

در این مدل نتایج آزمون رگرسیون بیانگر این است که ضریب متغیر MA در مدل مثبت می باشد یعنی با افزایش توانایی مدیریت، مقدار متغیر کیفیت گزارشگری مالی-اقدام تعهدی بانکها نیز افزایش می یابد و بالعکس. اما این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست زیرا اولاً مقدار t به دست آمده کمتر از مقدار متناظر آن در جدول ($t_{\alpha=0.975}=1/96$) بوده و همچنین $p - value$ محاسبه شده در این متغیر نیز بیش از ۵ درصد است.

تحلیل فرضیه دوم

همچنین ضریب متغیر POLITIC1 در مدل منفی می باشد یعنی با افزایش روابط سیاسی-مدیریت سیاسی، مقدار متغیر کیفیت گزارشگری مالی-اقدام تعهدی بانکها کاهش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است زیرا اولاً مقدار t به دست آمده بیش از مقدار متناظر آن در جدول ($t_{\alpha=0.975}=1/96$) بوده و همچنین $p - value$ محاسبه شده در این متغیر نیز کمتر از ۵ درصد است.

ضریب متغیر POLITIC2 در مدل مثبت می باشد یعنی با افزایش روابط سیاسی-نفوذ دولتی، مقدار متغیر کیفیت گزارشگری مالی-اقدام تعهدی بانکها نیز افزایش می یابد و بالعکس. اما این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست زیرا اولاً مقدار t به دست آمده کمتر از مقدار متناظر آن در جدول ($t_{\alpha=0.975}=1/96$) بوده و همچنین $p - value$ محاسبه شده در این متغیر نیز بیش از ۵ درصد است.

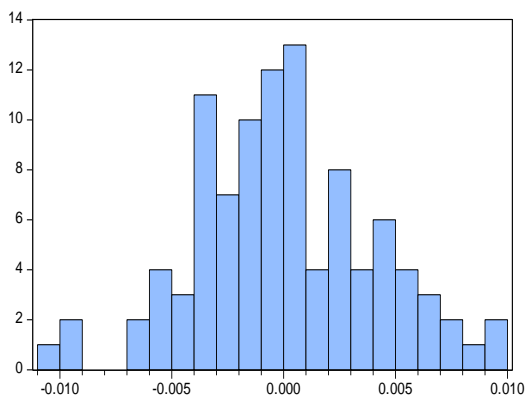
تحلیل فرضیه سوم

ضریب متغیر CRISIS1 در مدل منفی می باشد یعنی با افزایش بحران مالی-دوره رکود و رونق اقتصادی، مقدار متغیر کیفیت گزارشگری مالی-اقدام تعهدی بانکها کاهش می یابد و بالعکس. اما این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح

اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست زیرا اولاً مقدار t به دست آمده کمتر از مقدار متناظر آن در جدول ($t_{\alpha=0.975}=1/96$) بوده و همچنین $p - value$ محاسبه شده در این متغیر نیز بیش از ۵ درصد است.

ضریب متغیر CRISIS2 در مدل مثبت می باشد یعنی با افزایش بحران مالی-فشار مالی، مقدار متغیر کیفیت گزارشگری مالی-اقدام تعهدی بانکها نیز افزایش می یابد و بالعکس. اما این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست زیرا اولاً مقدار t به دست آمده کمتر از مقدار متناظر آن در جدول ($t_{\alpha=0.975}=1/96$) بوده و همچنین $p - value$ محاسبه شده در این متغیر نیز بیش از ۵ درصد است.

ضریب تعیین در مدل تقریباً ۷۶.۱۳٪ درصد می باشد. این ضریب بیانگر این است که متغیرهای مستقل در این مدل توانایی توجیه بیش از ۷۶ درصد از تغییرات متغیر کیفیت گزارشگری مالی-اقدام تعهدی بانکها را دارا می باشند. در این مدل مقدار آماره دوربین واتسون در مدل فوق برابر ۲/۱۲ می باشد که مقادیر نزدیک به ۲ حاکی از عدم وجود خودهمبستگی بین باقی مانده های مدل است. از آنجا که مقادیر پی و لیو متناظر با آماره جاک برا برای مقادیر باقی مانده های مدل (۰/۹۲)، بیش از مقدار ۵ درصد است لذا نرمال بودن خطاهای (باقی مانده های) مدل پذیرفته می شود.



نمودار (۴): مقادیر باقیمانده مدل شماره (۳)

نتیجه گیری

نتایج نشان می دهد که اولاً توانایی مدیریت بر هیچ یک از جنبه های کیفیت گزارشگری مالی تاثیر معنی داری ندارد. ثانیاً مالکیت دولتی ارتباط مثبت و معنی داری با پایداری سود دارد و مدیریت سیاسی نیز ارتباط معکوس و معنی داری با ارقام تعهدی دارد اما بین مدیریت سیاسی با پایداری سود، مدیریت سیاسی و مالکیت دولتی با توانایی پیش بینی کنندگی سود و همچنین مالکیت دولتی با ارقام تعهدی ارتباط معنی دار آماری وجود ندارد. ثالثاً بین دوره های اقتصادی و پایداری سود ارتباط معنی دار و معکوسی وجود دارد. اما بین فشار مالی بانکها با پایداری سود، دوره های اقتصادی و فشار مالی بانکها با پیش بینی کنندگی سود و همچنین دوره های اقتصادی و فشار مالی بانکها با ارقام تعهدی ارتباط معنی دار آماری وجود ندارد.

نتایج برای فرضیه اول نشان دهنده این مسئله است که بهبود سطح توانایی و تخصص در مدیریت بانکها الزاماً منجر به بهبود کیفیت گزارشگری مالی بانکها نخواهد شد. زیرا اولاً بخش عمده ای مدیران بانکها تخصص و توانایی لازم در خصوص حوزه مالی و حسابداری و آئین نامه ها و دستورالعملهای مربوط را ندارد بر همین اساس بهبود کیفیت اطلاعات در گزارشات مالی بیشتر از مجاری کارکنان بدست می آید تا توانایی مدیریت بانکها فعال در صنعت بانکداری. ثانیاً مقاومت در خصوص اجرای بخش از آئین نامه ها و دستورالعملهای بانک مرکزی که به منظور شفافیت و تقویت اطلاعات ابلاغ می گردد، باعث شده که مدیریت نسبت به بهبود کیفیت گزارشگری مالی ناکارآمد جلوه دهد. ثالثاً تمایل مدیریت به مدیریت سود و یا دستکاری سود جهت نشان دادن عملکرد بصورت مناسب باعث شده که توانایی مدیریت در خصوص بهبود کیفیت گزارشگری مالی زیر سوال برود. همچنین باتوجه به اینکه صنعت بانکداری در سنوات اخیر بخاطر شرایط ویژه اقتصادی، اعمال تحریمهای بین المللی و رکود اقتصادی شرایط نامناسبی داشته، استفاده از رویه های مبتنی بر مدیریت سود جهت دستکاری عملکرد یکی از سیاستهای مدیریت در راستای نشان دادن کارایی مناسب بانکها است که این مسئله باعث شده مدیر نتواند با همه توانایی های خود و ظرفیتهای موجود در زمینه بهبود کیفیت گزارشگری مالی بکند.

نتایج در فرضیه دوم نشان می دهد که مالکیت دولتی باعث افزایش پایداری سود می گردد این مسئله ناشی از حمایت دولت از عملکرد بانکهای تحت مالکیت دولتی است. این بانکها از لحاظ افزایش سرمایه، کسب سهم بیشتر سپرده و سهم بیشتر اعطای وام در اولویت هستند و بر همین اساس عملکرد و سودآوری بانکهای که مالکیت دولتی بیشتری دارند دارای ثبات بیشتری است. همچنین وجود اعضای هیات مدیریت نماینده دولت در

ساختار هیات مدیره باعث کاهش ارقام تعهدی شده است این مسئله ناشی موقت بودن بخش عمده ای از اعضای هیات مدیره نماینده دولت در ساختار هیات مدیره بوده که باعث می گردد این اعضای موقت شفافیت بیشتری را در ارائه گزارشات داشته باشند و تمایل کمتری به استفاده از ارقام تعهدی جهت مدیریت سود گزارشات مالی داشته باشند.

نتایج فرضیه سوم نشان می دهد که دوره های کرود اقتصادی تاثیر منفی و معنی داری بر پایداری سود دارد. این مسئله نشان می دهد که طی دوره های رکود که در آن کسب درآمد و سودآوری آفرینی به سختی اتفاق می افتد، شرکتها تمایل بیشتری بر اعمال نوسانات بالاتر در سود دارند تا بتوانند اهداف مدیریت سود خود را در گزارشات مالی و عملکردی اعمال نمایند در واقع در دوره های رکود که تقاضا برای دریافت تسهیلات به علت نبود فرصتهای سرمایه گذاری کاهش می یابد، ثبات سود نیز دچار خدشه شده و بر همین اساس کیفیت گزارشگری مالی بانکها تحت تاثیر نوسانات در سود و دستکاری در ثبات سود دچار خدشه خواهد شد.

فهرست منابع

- * علی نژاد ساروکلائی، مهدی و ترفی، ستاره. (۱۳۹۶)، "تأثیر توانایی مدیریت بر سیاست تأمین مالی"، مجله دانش حسابداری، ۲ (۸)، ۱۸۰-۱۵۹.
- * خدای پور، احمد؛ کرمشاهی، بهنام و تفتیان، اعظم. (۱۳۹۱). بررسی رابطه محافظه کاری و رابطه ارزشی سود با چرخه تجاری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش های حسابداری مالی، ۴ (۳)، ۸۶-۷۱.
- * خردمند، علی؛ پژوهی، محمدرضا و فاطمه، ضیاء الدینی دشت خاکی. (۱۳۹۶)، "بررسی تاثیر توانایی مدیریتی و کیفیت سود بر ریسک ریزش قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، اولین کنفرانس ملی مطالعات نوین مدیریت در ایران، کرج، موسسه آموزش عالی علامه خویی و موسسه آموزش عالی معراج.
- * رحمانی، علی و حیدری، سیدعلی. (۱۳۸۶)، "بررسی رابطه نسبت کفایت سرمایه با متغیرهای مالی در سیستم بانکی ایران"، چشم انداز مدیریت، ۲۱ (۲۲)، ۹۶-۷۵.
- * صفری گرایلی، مهدی و رضائی پسته نوئی، یاسر. (۱۳۹۷). توانایی مدیریت و خوانایی گزارشگری مالی: آزمون نظریه علامت دهی. مجله علمی-پژوهشی دانش حسابداری، ۹ (۲)، ۲۱۸-۱۹۱.
- * کوشافر، مصطفی؛ نوروش، ایرج و مشایخی، بیتا. (۱۳۹۶). سنجش کارایی و توانایی مدیریت بر اساس معیارهای مالی.

- * Francis, J., R. LaFard., P. Olsson., and K. Schipper. (2005). "The Market Pricing of Accruals Quality". *Journal of Accounting and Economics*, 39, 259-327.
- * Healy, P. M. & Palepu, K. (2001). Information Asymmetry, Corporate Disclosure, and the Capital Markets: a Review of the Empirical Disclosure Literature. *Journal of Accounting and Economics*, 31, 405- 440.
- * Healy, P. M., and Wahlen, J. M. 1999. A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. *Accounting horizons*, 13, 365-383.
- * Myers, S.C. (1984), "The paradox of liquidity", *The Quarterly Journal of Economics*, 113 (3), 733-71.
- * M.F. Cutillas Gomariz., J.P. Sánchez Ballesta. (2014), " Financial reporting quality, debt maturity and investment efficiency", *Journal of Banking & Finance*, 40 (3), 494-506.
- * Nahar, S., Jubb, C., & Azim, M. I. (2016). Risk governance and performance: a developing country perspective. *Managerial Auditing Journal*. 31(3),250-268
- * Titman, S. and B, Trueman. (1986), "information quality and the valuation of new issues", *journal of accounting and economics*, 8, 59-172.
- * Watts, R. (1993), „A Proposal for Research on Conservatism“, Presented at the American Accounting Association Annual Meeting (San Francisco, CA).
- * Wu, W., Wu, C., Zhou, C., and Wu, J., (2012), "Political connections, tax benefits and firm performance: Evidence from China", *Journal of Accounting and Public Policy*, 31(3), 277-300.
- فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت. ۶ (۲۳)، ۱۸۷-۲۰۲.
- * محمودآبادی، حمید، رضایی، غلامرضا و ابوالفضل گرگانی فیروزجاه. (۱۳۹۲)، " بررسی آثار سرمایه‌ی فکری در بهبود کیفیت گزارش‌گری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران "، ۵ (۲)، ۷۵-۹۹.
- * مختارزاده، فاطمه. (۱۳۸۷). بررسی عوامل تعیین کننده چرخه های تجاری در اقتصاد ایران بر اساس رویکرد حسابداری چرخه تجاری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- * Aning Sejati, Y. 2009, Political connections and earnings quality : evidence from Malaysia. phd dissertation, Oklahoma state university
- * Arifur Khan Dessalegn Getie Mihret Mohammad Badrul Muttakin , (2016), "Corporate political connections, agency costs and audit quality", *International Journal of Accounting & Information Management*, 24 (4), 548-467.
- * Biddle, G., Hilary, G., Verdi, R. (2009). How Does Financial Reporting Quality Improve Investment Efficiency?. *Journal of Accounting and Economic*, 48, 112-131
- * Bushman, R. and Smith, A. (2001). Financial accounting information and corporate governance. *Journal of Accounting Economics*, 32 (1-3), 237-333.
- * Bushman, R. M., J. D. Piotroski, and A. J. Smith. (2004), What Determines Corporate Transparency?, *Journal of Accounting Research*, 42 (2), 207-252.
- * Bushman, R. M., Piotroski, J. D., Smith, A., J. (2003). What Determines Corporate Transparency? Available at www.SSRN.com.
- * Chen, C. J. P., Y. Ding, and C. Kim. (2011). Political connection, legal enforcement and analysts' forecast characteristics. Working paper, City University of Hong Kong.
- * Chaney, P. K., M. Faccio, and D. C. Parsley., (2012), "The Quality of Accounting Information in Politically Connected Firms", Working paper, Vanderbilt University.
- * Cheung, Yan. Leung, Ping Jiang, B. & Weiqiang Tan (2010), "A Transparency Disclosure Index Measuring Disclosures: Chinese Llisted Companies", *Journal of Accounting Public Policy*, 29, 259-280.
- * Demerjian, P., B. Lev, M. Lewis, and S. McVay. (2013). Managerial ability and earnings quality, *The Accounting Review*, 88(2), 463-498
- * Emma García-Meca and Isabel-María García-Sánchez. (2017)., "Does managerial ability influence the quality of financial reporting?", *European Management Journal*, Available online 26 October 2017, 1-14.
- * Feltham, G., J. Ohlson. Valuation and Clean Surplus Accounting for Operating and Financial Activities. *Contemporary Accounting Research*. 1995; 689-731.
- * Fisman, R. (2001), "Estimating the Value of Political Connections." *American Economic Review*, 91(4), 1095-1102.



Accounting Knowledge & Management Auditing
Vol. 11 / No. 44 / Winter 2023

Study of the role of management ability, political influence and financial pressure on the quality of financial reporting of listed banks

Habib Piri

Assistant Professor, Department of Accounting, Islamic Azad University, Zahedan, Iran.

Abstract

The quality of financial reporting as one of the most important factors in improving disclosure and transparency in the banking industry and guaranteeing the implementation of Basel 1, 2 and 3 rules can reduce the bank's credit and information risks and increase the ability to attract deposits from deposits. Therefore, evaluating the factors affecting the quality of financial reporting in the banking industry can improve the operational and information efficiency and consequently the efficiency of banks' allocation.

Various factors such as management ability, political influence and financial pressure can affect the quality of banks' financial reporting. In this study, in order to evaluate the impact of management ability, political influence and financial pressure on the quality of banks' financial reporting, information The stock exchange was examined during the years 1388 to 1396. To assess the quality of banks' financial reporting, three indicators of profit stability, profit predictability and accruals were used. The results show that firstly, management ability does not have a significant effect on any aspect of financial reporting quality. Second, state ownership has a positive and significant relationship with profit stability and political management has an inverse and significant relationship with accruals, but between political management with profit stability, political management and government ownership with the ability to predict profit and also There is no statistically significant relationship between government ownership and accruals. Third, there is a significant and inverse relationship between economic periods and earnings stability. But there is no statistically significant relationship between banks' financial pressure with profit stability, economic periods and banks' financial pressure with the ability to predict profits, as well as economic periods and banks' financial pressure with accruals.

Keywords: Management Ability, Political Influence, Financial Pressure, Financial Reporting Quality, Earnings Stability, Earnings Predictability and Accruals